

فناوری اطلاعات و راهبری شرکتی

صبری علی پناه*

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حسابداری دانشگاه تهران

ریحانه هادیان

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حسابداری دانشگاه تهران

چکیده

هدف این مقاله بررسی این موضوع است که چگونه فناوری اطلاعات می‌تواند به عنوان یک محرک انگیزشی در فرآیند تصمیم‌گیری راهبری شرکتی استفاده شود. در این مقاله تئوری‌های موجود در راهبری شرکتی برای درک انگیزه‌های مدیران اجرایی با هم مقایسه شده است و براساس تحلیل تئوری‌های مختلف، یک چارچوب انگیزشی با استفاده از فناوری اطلاعات برای مدیران اجرایی شرکت ارائه شده است.

نتیجه‌ی تحقیق این است که چشم‌انداز ذینفعان برعکس دیگر دیدگاه‌های راهبری شرکتی که یک بعدی هستند، یک رویکرد کاملاً باارزش برای راهبری شرکتی است. فناوری اطلاعات می‌تواند محرکی برای مدیران اجرایی سازمان در حرکت به سمت ترویج چشم‌انداز ذینفعان باشد.

واژه‌های کلیدی: فناوری اطلاعات، راهبری شرکتی، ذینفعان

فناوری اطلاعات

فناوری اطلاعات عبارت از گردآوری، ذخیره کردن و سازماندهی اطلاعات بر روی ابزارها و فناوری‌های موجود است (اسفندیاری، ۱۳۸۹، ص ۲).

پیشرفت در حوزه‌ی فناوری اطلاعات نقش مهمی در تغییرات پویای قرن بیستم داشته است. فناوری اطلاعات به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا کاراتر، منعطف‌تر و با قدرت اقتصادی بیشتری نسبت به آنچه که در دهه‌های قبل ممکن بود، عملیات تجاری خود را پیش‌ببرند. همچنین آنها را قادر می‌کند تا آسان‌تر، سریع‌تر و مؤثرتر به تغییرات محیطی واکنش نشان دهند (چن، ۲۰۱۲، ص ۲۲۶).

راهبری شرکتی

به دنبال رسوایی‌هایی مثل انرون^۲ و ورلداکام^۳ توجه به اساس راهبری شرکتی بیشتر شد. راهبری برگرفته از واژه انگلیسی گاورننس^۴ به معنای هدایت کردن است که معمولاً برای هدایت یک کشتی به کار می‌رود. تعریف راهبری شرکتی، در وهله‌ی اول به راهبری تمرکز دارد تا کنترل (حساس یگانه، ۱۳۸۴، ص ۳۰). تعریف پذیرفته شده‌ی جامعی از راهبری شرکتی وجود ندارد، بلکه تعاریف مختلفی وجود دارد که جنبه‌های خاص راهبری شرکتی را تحلیل می‌کند (تالامو، ۲۰۱۱، ص ۲۳۰). اکثر این تعاریف‌ها با ارتباط بین مدیریت و سهامداران و به ویژه ساختار و وظایف هیات مدیره سروکار دارد. برای درک بهتر مفهوم راهبری شرکتی، می‌توان از دو دیدگاه کلان و خرد، آن را تشریح کرد. از دیدگاه خرد، راهبری شرکتی در برگیرنده مجموعه‌ای از روابط میان مدیریت شرکت، هیئت مدیره آن، سهامداران و سایر ذینفعان است. این روابط که قوانین و محرک‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد، ساختار را از راه هدف‌های تعیین شده، وسایل رسیدن به آن هدف‌ها و نظارت بر اجرا شکل می‌دهد.

از دیدگاه کلان، راهبری شرکتی مناسب، یعنی شرکت‌ها در یک فضای باز و صادقانه اداره می‌شوند. کارآمدی سرمایه، تجدید ساختارهای صنعتی کشورها و در نهایت ثروت عمومی برای جلب اعتماد بازار، دارای اهمیت است (قدس، ۱۳۸۹، ص ۴۹).

نگاهی گذرا به داستان انرون

کنل^۵ (۲۰۰۶)، در رابطه با انرون فرضیه‌ی جالبی ارائه کرده است:

هم‌گام با رشد شرکت، سرمایه‌گذاران انرون به صورت چشم‌گیری در حال افزایش بودند. سود، سطح پاداش و ارزش اختیار خرید سهام^۶ مدیران اجرایی را تعیین می‌کرد. از طرفی سودآوری بالا و افزایش قیمت‌ها، اختیار خریدهای سهام را بسیار جذاب ساخته بود. محرک‌های انگیزشی مدیران اجرایی صرفاً معطوف به سود و ارزش سهام بود. می‌توان گفت دلیل وقوع فاجعه‌ی انرون، کارا نبودن محرک‌های انگیزشی مدیریت بود.

فراهم کردن انگیزه‌های درست برای مدیران اجرایی رویه‌ی مهمی است که نگرانی اصلی سهامداران است و اهمیت راهبری شرکتی را بیشتر می‌کند (بایر و بارهپ^۷، ۲۰۰۹، ص ۴۶۹). از این رو بحث ما، حول انگیزه‌های ایجاد شده برای مدیران اجرایی و نیز نحوه‌ی استفاده از فناوری اطلاعات به عنوان محرک انگیزه‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری راهبری شرکتی می‌باشد. رمز موفقیت یک شرکت، در گرو هدایت مطلوب آن است. به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که راز جاودانگی شرکت‌های معروف و خوشنام، در برخورداری آنها از یک هیات‌مدیره موثر و کاراست. تأثیر مثبت راهبری شرکتی قوی بر سهامداران مختلف در نهایت یک اقتصاد مستحکم را به همراه دارد و بنابراین راهبری شرکتی قوی ابزاری برای رشد اقتصادی و اجتماعی است (محرابی، ۱۳۸۹، ص ۱۰).

انواع سیستم‌های راهبری شرکتی

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که هر کشوری سیستم منحصر به فرد خود را دارد و به تعداد کشورهای دنیا سیستم راهبری شرکتی وجود دارد. ساختار مالکیت و چارچوب‌های قانونی از اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل سیستم راهبری شرکتی هستند. به طور کلی می‌توان این سیستم‌ها را به دو طبقه تقسیم بندی کرد:

- سیستم‌های درون سازمانی، سیستمی است که در آن، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس یک کشور، تحت مالکیت و کنترل تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. آنها ممکن است

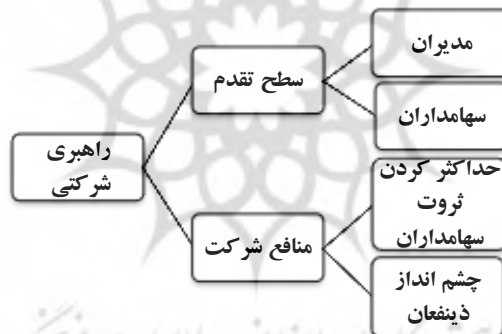
اعضای خانواده مؤسس (بنیانگذار) یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانک‌های اعتباردهنده، شرکت‌های دیگر یا دولت باشند.

• سیستم‌های برون سازمانی

عبارت برون سازمانی اشاره به سیستم‌های تأمین مالی دارد. در این سیستم، شرکت‌های بزرگ توسط مدیران کنترل می‌شوند و تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی یا سهامداران خصوصی هستند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل (مدیریت) می‌شود که توسط برل و مینز^۸ (۱۹۳۲) مطرح شد. گرچه در سیستم‌های برون سازمانی، شرکت‌ها مستقیماً توسط مدیران کنترل می‌شوند، اما به طور غیر مستقیم تحت کنترل اعضاء برون سازمانی قرار دارند. اعضای مذکور، نهادهای مالی و هم چنین سهامداران خصوصی هستند (حساس یگانه، ۱۳۸۴، ص ۱۲).

تئوری‌های موجود در راهبری شرکتی

بین بریج^۹ (۲۰۰۸)، تئوری‌های راهبری شرکتی را همانطور که در نگاره ۱ نشان داده شده است به ۲ طبقه اصلی دسته‌بندی کرده است:



نگاره (۱): دسته‌بندی تئوری‌های راهبری شرکتی

اولی به سطح تقدم و برتری در فرآیند تصمیم‌گیری مبتنی است و دومی بر مبنای منافع شرکت است. سطح تقدم یک طیف است که در یک طرف آن سهامداران و در طرف دیگر آن

مدیران هستند، منافع شرکت هم یک طیف است که در یک طرف آن حداکثر کردن ثروت سهامداران و در طرف دیگر آن چشم انداز ذینفعان قرار دارد.

هاس^{۱۰} (۲۰۰۷)، یک طرح مشابه را برای تئوری‌های راهبری شرکتی شامل چشم اندازهای مدیریت، سهام‌داران، ذینفعان و چشم اندازهای خاص شرکت می‌باشد مشخص کرد. هرچند هاس در تعیین چشم انداز خاص شرکت، متفاوت از بین بریج عمل کرده است ولی هر دو چشم انداز ذینفعان را به عنوان یک رویکرد متوازن تعریف کرده‌اند که بر خلاف رویکرد مدیریتی یا رویکرد سهامداران یک جانبه نیست.

- **چشم انداز مدیران** به یک ساختار غالب قدیمی از مدافنده یعنی سلسله مراتب دیوان سالارانه^{۱۱} حاکم شده توسط مدیران حرفه‌ای برای راهبری اشاره دارد. این رویکرد با مفهوم جدایی مالکیت از کنترل مرتبط است. در جدایی مالکیت از کنترل، سهامداران یا مالکان هیچ حقی در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت ندارند (فاما^{۱۲} و جنسن^{۱۳}، ۱۹۸۳، ص ۳۱۲).
- در این ساختار مدیران اجرایی شرکت، قدرتی خودمختارانه در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت دارند بدون این که سهامداران شرکت نظری بدهند. انگیزه‌ی اصلی در این ساختار فراهم کردن قدرتی خودمختارانه و دیوان سالارانه برای مدیران اجرایی است. این آزادی بیش از حد، علت اصلی سوءاستفاده‌های مدیریتی و ضعف تصمیمات مدیران اجرایی است که بسیاری از شرکت‌ها را به سمت ورشکستگی کشانده است.
- **تقدم سهامداران** ساختاری است با تاکید بر مالکیت سهامداران که در آن مدیران و هیأت مدیره صرفاً مباشران سهامداران هستند.

- با حرکت به سمت منافع شرکت، شرکت با تمرکز بر **حداکثر کردن ثروت سهامداران** بر کسب سود تمرکز دارد که غالباً دیدگاه ۷ متمرکز بر سهام^{۱۴} نامیده می‌شود. در این رویکرد، تمرکز اصلی بر حداکثر کردن ثروت سهامداران است. همین امر منجر به تمرکز بیش از حد بر سود می‌شود که باعث پایمال شدن عملکرد خوب و اصول اخلاقی می‌شود. دیدگاه i متمرکز بر سهام f یکی از دلایل اصلی ورشکستگی شرکت‌هاست. انگیزه‌های مبتنی بر سود و ارزش سهام، باعث می‌شود مدیران اجرایی بر اصول اخلاقی و انسانی پایبندارند و با دستکاری عملکرد حسابداری، تصویر نادرستی از شرکت به عموم ارائه دهند (آبراهام، ۲۰۱۲). مدل‌های ذینفعان در سر دیگر طیف بر منافع همه‌ی عملگران شرکت در

تصمیم‌گیری تمرکز دارد. در چشم‌انداز ذینفعان، راهبری شرکتی نتیجه تعامل بین ذینفعان مختلف شرکت است (هاس، ۲۰۰۷).

- **چشم‌انداز ذینفعان** بیشترین توجه را در راهبری شرکتی به خود اختصاص داده است. تئوری‌های مدیریتی و متمرکز بر سهام در راهبری شرکتی بر تصمیم‌گیری‌های یک‌جانبه، یا توسط مدیریت یا توسط سهامداران گرایش دارد بدون این که دیگر ذینفعان مثل کارمندان، عرضه‌کنندگان و مشتریان را در نظر بگیرد.

تئوری ذینفعان، حرکت از رویکرد مدیریتی و متمرکز بر سهام در راهبری شرکتی به سمت فهم دقیق‌تر مسئولیت اجتماعی در شرکت‌هاست. این تئوری، کاربردهای زیادی در رشته‌های علوم اطلاعات^{۱۵} مثل تجارت الکترونیک، عملکرد سازمانی، دولت الکترونیک و غیره پیدا کرده است. اساس تئوری ذینفعان این است که شرکت‌ها بسیار بزرگ شده‌اند و تأثیر آنها بر جامعه آنچنان عمیق است که آنها باید به جز سهامداران به بخشهای بیشتری از جامعه توجه کرده و پاسخگو باشند (حساس یگانه، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

یک تعریف جامع‌تر برای واژه‌ی ذینفعان در مقاله‌ای از کلارکسون^{۱۶} ۱۹۹۵، ارائه شده است: ذینفعان اشخاص یا گروه‌هایی هستند که ادعا، مالکیت، حق یا مزایایی از بابت فعالیت‌هایشان در گذشته، حال یا آینده در شرکت دارند. چنین حقوق یا مزایای ادعا شده‌ای نتیجه مبادلات با شرکت یا فعالیت‌های انجام شده به وسیله شرکت است و ممکن است قانونی یا اخلاقی، به صورت تک‌تک یا در مجموع باشد. ذینفعان با منافع، ادعا یا حقوق یکسان را می‌توان در گروه‌هایی مثل کارکنان، سهامداران، مشتریان و... دسته‌بندی کرد. با مقایسه‌ی تئوری‌های موجود در راهبری شرکتی مشخص می‌شود که چشم‌انداز ذینفعان بر خلاف دیگر دیدگاه‌هایی که یک طرفه هستند، رویکرد با ارزشی را برای راهبری شرکتی ارائه می‌دهد.

فناوری اطلاعات به عنوان یک قادرکننده^{۱۷}

مسأله‌ی موجود در چشم‌انداز ذینفعان این است که چگونه آگاهی ذینفعان مختلف از منافعشان افزایش می‌یابد، به ویژه اگر ذینفعان از نظر زمان و مساحت از هم جدا باشند. تکنولوژی اطلاعات می‌تواند مدیران اجرایی را قادر کند، محیط رفاهی ذینفعان و مشارکت کنندگان را در

تصمیم‌گیری راهبری شرکتی ترقی دهند. یعنی محیطی ایجاد کنند که آگاهی نسبی ذینفعان مختلف را از حداکثر منافعشان افزایش دهد.

برای فهم اینکه چگونه فناوری اطلاعات می‌تواند مدیران اجرایی را در این راستا توانا سازد، عناصر اصلی تصمیم‌گیری را تحلیل می‌کنیم. بین بریج (۲۰۰۸)، چهار عنصر اصلی را برای تصمیم‌گیری مشخص کرد: مشاهده یا جمع‌آوری اطلاعات، ذخیره‌ی اطلاعات، پردازش اطلاعات و انتقال اطلاعات (نگاره ۲).



نگاره (۲): عناصر فرآیند تصمیم‌گیری

حال تلاش می‌شود تا مشخص شود، چگونه فناوری اطلاعات می‌تواند در ساده و کارا کردن ۴ عنصر اصلی تصمیم‌گیری کمک کند. قبل از این به نظر لازم می‌آید ابتدا واژه‌ی "اطلاعات" و "فناوری اطلاعات" به دقت شرح داده شوند.

تئوری‌های اطلاعات، تعاریف زیادی برای واژه اطلاعات ارائه داده‌اند، لذا دستیابی به یک تعریف جامع پذیرفته شده برای واژه‌ی اطلاعات سخت است. برای مثال یک اقتصاددان اهمیت بنیادی اطلاعات را در ارزش پولی‌اش می‌بیند. یک روانشناس، اطلاعات را به عنوان آنچه که بین عاملان شناختی جریان می‌یابد، تعریف می‌کند.

هر تعریفی از واژه‌ی اطلاعات بدون فهم واژه‌ی "داده" و "دانش" ناقص است.

داده‌ها نمایانگر شکل خام اطلاعات هستند، اطلاعات منجر به دانش می‌شوند، اطلاعات توانایی ایجاد، تبدیل شدن به دانش و سازمان‌دهی کردن دانش را دارند. در واقع داده‌ها برای معنا پیدا کردن باید به اطلاعات تبدیل شود و اطلاعات می‌تواند دانش را ایجاد کند.

مزیت اصلی فناوری اطلاعات در رابطه با دیدگاه ذینفعان این است که نیازی به سازماندهی، جمع‌آوری، ذخیره یا توزیع اطلاعات به صورت سلسله‌مراتبی و کنترل شده نیست. فناوری اطلاعات محیطی را فراهم می‌آورد که در آن مدیران اجرایی می‌توانند در تصمیم‌گیری از بهترین منافع ذینفعان از طریق روش‌های تکنولوژیک مختلف مثل گروه‌بزار^{۱۸}، سیستم پشتیبانی تصمیم^{۱۹}، روابط الکترونیکی و... آگاه شوند.

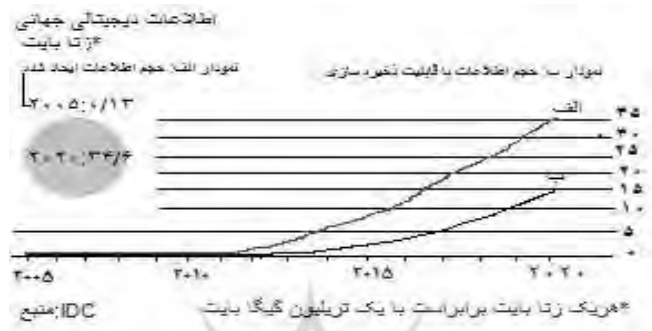
مشاهده و گردآوری اطلاعات

یک جنبه‌ی مهم تصمیم‌گیری، توانایی جمع‌آوری اطلاعات از ذینفعان مختلف به صورت به‌موقع و در موقعیت‌های مختلف است. حجم زیاد داده‌های جمع‌آوری شده از سازمان‌های بزرگ می‌تواند به پدیده‌ای که در علوم اطلاعاتی به آن "اضافه‌بار اطلاعاتی"^{۲۰} می‌گویند، منجر شود. جستجوگران اطلاعات باید بتوانند اطلاعات مربوطی که لازم دارند، به‌دست آورند. پایگاه‌های داده و موتورهای جستجو می‌توانند در ساده و مؤثر کردن بازیابی و جستجوی اطلاعات کمک کنند. گوگل نمونه‌ای عالی از کاربرد روزانه‌ی فناوری اطلاعات برای جمع‌آوری اطلاعات است. هر قدر اطلاعات بیشتری کسب شود، تصمیم‌گیری بهتر می‌شود. کلید اصلی تکنولوژی اطلاعات، قادر کردن افراد به اتخاذ تصمیمات آگاهانه است. در اکثر موارد، کارمندان به دلیل فقدان اطلاعات نمی‌توانند در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت کنند. توانایی مشارکت ذینفعان مختلف با افزایش آگاهی آنها از مسئولیت‌های مختلف شرکت افزایش می‌یابد.

ذخیره کردن اطلاعات

یکی از جنبه‌های اصلی فناوری اطلاعات، توسعه سریع در توانایی ذخیره کردن مقدار زیادی از داده‌ها است. توانایی نگهداری اطلاعات تاریخی به صورت کاملاً به‌صرفه و اقتصادی، شرکت‌ها را قادر کرده است که بر مبنای اطلاعات گذشته تصمیم‌گیری کنند. انعکاس ارزش سهام، تحلیل سری‌های زمانی و دیگر اشکال پیش‌بینی به صورت قابل‌توجهی برای تصمیم‌گیری آگاهانه به داده‌های گذشته متکی است. نگهداری ثبت‌ها یک بخش کامل از حسابرسی است که یکی از پایه‌های راهبری شرکتی است. بایگانی اطلاعات منجر به "ذخیره‌ی دانش" می‌شود که می‌تواند ذینفعان را قادر کند از جزئیات شرکت آگاه شوند و اینگونه قادر به اتخاذ بهترین

تصمیمات باشند. صرفاً وجود مقدار زیادی دانش سودمند نیست بلکه دانشی سودمند است که به صورتی سازمان دهی شود که به بازیابی آن کمک کند. نگاره ۳ یک پیش‌بینی از حجم اطلاعات جهان را نشان می‌دهد که در آن نمودار (الف) حجم اطلاعات تولید شده و نمودار (ب) حجم اطلاعاتی که می‌توان ذخیره کرد را نشان می‌دهد، می‌بینیم که در آن، حجم اطلاعات تولید شده بسیار بیشتر از حجم اطلاعاتی است که می‌توان ذخیره کرد (اکونومیست).



نگاره (۳): حجم اطلاعات ایجاد شده و اطلاعات قابل ذخیره سازی در جهان

سایت اکونومیست ۱۹ مه ۲۰۱۲

پردازش اطلاعات

به منظور اتخاذ تصمیمات آگاهانه، نیاز است که اطلاعات پردازش شوند یا به عبارتی شکل داده شوند تا محتوایی را که به بهترین شکل، هدف مورد نظر را ارائه می‌دهد، آماده کنند. ظهور سیستم‌های پشتیبانی‌کننده‌ی تصمیم مثل داده کاوی^{۲۱} یا ابزارهای هوش تجاری^{۲۲}، هزاران فرصت را در اتخاذ تصمیمات اثربخش فراهم آورده‌است. داده کاوی اکتشاف دانش را در پایگاه‌های داده امکان پذیر می‌کند. استخراج دانش از حجم زیادی از داده‌ها شبیه جستجو برای یک سوزن در یک انبار کاه است. هوش تجاری که بخشی از داده کاوی است با فراهم کردن توانایی حرکت سریع^{۲۳} در گزارش‌ها، هوش را به فرآیند تصمیم‌گیری اضافه می‌کند و ما را قادر می‌کند تا اطلاعات مخفی شده را مشاهده کنیم. داده کاوی در کشف تقلب کارتهای اعتباری به کار گرفته شده است که می‌تواند برای کشف تقلب در داده‌های سازمانی نیز توسعه پیدا کند.

انتقال اطلاعات

تعامل اطلاعات یک عنصر ضروری فرآیند تصمیم‌گیری است. فناوری اطلاعات فرصت‌های یک‌پارچه‌ای برای گسترانیدن چتر ارتباطات فراتر از مرزهای فیزیکی شرکت‌ها فراهم می‌آورد. تکنولوژی‌های ارتباطی تعامل و امکان به اشتراک گذاشتن ایده‌ها را فراهم می‌سازد. برد پرتال^{۲۴}، نرم‌افزار مشترک اعضای هیأت‌مدیره است که برگزاری جلسات و به اشتراک گذاشتن اسناد به صورت الکترونیکی را تسهیل می‌کند و اعضای هیأت‌مدیره را قادر می‌کند جلسات بیشتری داشته‌باشند.

Web 2. 0 که توسط سایت شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت فضای جدیدی را بین کاربران برای تعامل و به اشتراک گذاشتن دانش فراهم آورده‌است. این شکل از روابط، کاربران را قادر به مشارکت در موضوعاتی می‌کند که قبلاً در آن موضوعات نادیده گرفته می‌شدند.

فرصت‌های فراهم شده در تصمیم‌گیری به وسیله فناوری ارتباطات یک موضوع تحقیقی گسترده است. جلسات، مرکز اتخاذ تصمیم است، جلسات الکترونیکی، ویدئو کنفرانس‌ها و غیره، فرصت‌های جذابی را پیش روی افراد برای مشارکت در تصمیم‌گیری بدون نگرانی از بابت محدودیت‌های زمانی و مسافتی باز می‌کند. فاصله‌ای که بین گروه‌های مختلف ذینفع مثل مدیران اجرایی، سهامداران، کارمندان و عرضه‌کنندگان وجود دارد، می‌تواند با کمک فناوری‌های ارتباطی محدود شود. اطلاعاتی که قبلاً تنها بر روی میز مدیریت قرار می‌گرفت می‌تواند با کمک فناوری ارتباطات خیلی راحت بین ذینفعان مختلف پخش شود. جعبه‌های الکترونیکی که ذینفعان مختلف می‌توانند نظراتشان را در آن قرار دهند، می‌تواند یک منبع باارزش برای مدیران اجرایی در گرفتن تصمیمات آگاهانه باشد.

نتیجه‌گیری

درسی که رسوایی‌های مالی مانند انرون و ورلد‌کام به دنیای تجارت داد این بود که باید در سیستم انگیزشی مدیریت تغییر ایجاد کرد. شرکت‌ها معمولاً با چشم اندازی پیرامون سود اداره می‌شوند، که این موضوع منجر به دستکاری در سود و تقلب مدیران می‌شود. اما چشم انداز ذینفعان، بهترین منافع تمام تصمیم‌گیرندگان را در نظر می‌گیرد.

می‌توان فناوری اطلاعات را به عنوان یک عامل تقویت‌کننده‌ی انگیزه‌ی ذاتی مدیران اجرایی و دیگر ذینفعان برای بهبود ساختار راهبری شرکتی پیشنهاد کرد. ذینفعان شرکت نیاز دارند که آگاهی خود را از منافعشان افزایش دهند و از تصمیماتی که بر راهبری شرکتی اثر می‌گذارد به موقع آگاه شوند.

فناوری اطلاعات با بهبود فرآیند تصمیم‌گیری از طریق تسهیل مراحل گردآوری، پردازش، ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات، مدیران اجرایی و ذینفعان را در اتخاذ تصمیمات با کیفیت یاری می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

- ¹ Chen, L. Stephen
- ² Enron
- ³ WorldCom
- ⁴ Governance
- ⁵ Knell
- ⁶ Share options
- ⁷ Bayer and Burhop
- ⁸ Berle and Means
- ⁹ Bainbridge
- ¹⁰ Huse
- ¹¹ Bureaucratic
- ¹² Fama
- ¹³ Jensen
- ¹⁴ share centered view
- ¹⁵ information science
- ¹⁶ Clarkson
- ¹⁷ Enabler
- ¹⁸ groupware
- ¹⁹ decision support systems
- ²⁰ information overloading
- ²¹ Datamining: داده‌پردازی استفاده شده در جستجو برای اطلاعات مخفی شده در یک گروه از داده‌ها
- ² Business intelligence tools
- ³ Drill-down: توانایی حرکت سریع از بین یک مجموعه از فولدرها یا دیرکتورها
- ⁴ Board portals

منابع

۱. اسفندیاری، محسن، شهاب، سیدامیر. (۱۳۸۹). نقش تکنولوژی اطلاعات در سازمان‌های کارآفرین. دو ماهنامه خبر یزدا. شماره ۳۱
۲. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). مفاهیم حاکمیت شرکتی. مجله حسابداری. شماره ۱۶۷
۳. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). سیستم‌های حاکمیت شرکتی، ماهنامه حسابداری، انجمن حسابداران خیره ایران، شماره ۱۶۹
۴. قدس، علی سینا. (۱۳۸۷). راهبری شرکتی و اصلاح ساختار هیئت مدیره، ماهنامه تدبیر. شماره ۱۹۵
۵. محرابی، مهدی. (۱۳۸۹). حاکمیت شرکتی و چالش‌های آن. روزنامه دنیای اقتصاد. شماره ۲۷۴۶، ص ۱۰ (بورس شرکت‌ها)
6. Bayer, C. and Burhop, C. (2009) , Corporate governance and incentive contracts: historical evidence from a legal reform , Explorations in Economic History, vol 46,464-481
7. Bainbridge, S. (2008) , The New Corporate Governance in Theory and Practice, Oxford University Press, New York, NY.
8. Clarkson, M. B. E. (1995) , A stakeholder framework for analyzing and evaluating corporate socialperformance , Academy of Management Review, Vol. 20, pp. 92-117.
9. Chen, L. Stephen. (2000) , Information technology in business processes , Journal of Business Process Management , Vol. 6 Iss:3. Pp. 224-237
10. Fama, E. F. and Jensen, M. C. (1983) , Separation of ownership and control , Journal of Law and Economics, Vol. 26, pp. 301-325.
11. The Economist, may 19th 2012, Data/data everywhere , available at <http://www.economist.com/node>
12. Huse, M. (2007) , Boards, Governance and Value Creation, Cambridge University Press, Cambridge.
13. Sherly E. Abraham, (2012) , Information technology, an enabler in corporate governance, Corporate Governance, Vol. 12 Iss: 3 pp. 281 ° 291
14. Talamo, Giuseppina. (2011) , "Corporate governance and capital flows", Corporate Governance, Vol. 11 Iss: 3 pp. 228 - 243